۱۶۱

سلسله درسهای عرفانی

هُوَ ۱۲۱

گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه)

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم.

در خطبه‌ای که قرائت می‌شود، بٰارِیءِ الْخَلٰائِقِ الْاَجْمَعین می‌گوید یعنی همه‌ی مخلوق را خداوند خلق کرده که این نماینده و نشان‌دهنده‌ی این است که آن رحمت الهی که بر مخلوقات خودش، بر مصنوعات خودش می‌دهد، پروانه می‌دهد، آن عمومیّتی است که در الرَّحْمن ذکر شده. ما می‌دانیم که الرَّحْمن و الرَّحیم رحمان موهبت و محبّتِ عامّ است. بنابراین تمام مخلوقات و از جمله تمام انسان‌ها را خداوند آفریده چون خداوند آفریده، قابلیّتِ سلوک به سمت خدا را دارند و حال آنکه حیوانات قابلیّتِ سلوک به سمت خدا را کمتر دارند (دارند ولی کمتر). منتها خداوند نخواسته است به این بشر همان اوّل راه را نشان بدهد و دستشان را بگیرد ببرد و نگذارد منحرف بشوند بلکه از همان اوّل اینها را کامل و بالغ می‌دانستند برای اینکه بگردند و راه را پیدا کنند و خودشان با ثبات قدم به سمت خداوند بیایند. به‌این‌جهت خداوند همه‌ی مخلوق را مؤمن نیافریده است.

هر چند در تواریخ نوشته‌اند ولی نه بطور مفصّل، مثلاً در زمان حضرت آدم، جمعیت بشر فقط آدم بود و حوّا و دو خانواده‌ی هابیل و قابیل یعنی با هم بودند. همان اوائل خداوند راه صحیحی آفرید و خواست که این بندگان، خودشان راه را پیدا کنند و صحیح قدم بزنند. متأسّفانه همه‌ی این جمعیتِ کوچک ارشاد نشدند و همان اوّل عدّه‌ای کفر ورزیدند. قابیل برادرش را کشت، خداوند هم اینها را جدا کرد یعنی این قوم قابیل را جدا کرد و در کتب مذهبی، کتب مقدّس آمده است که قوم هابیل و شیث را از رفت‌وآمد و برخورد با قوم قابیل منع کردند یعنی خداوند یک تصفیه‌ای در این مخلوق به وجود آورد.

بعد از آن، در زمان حضرت نوح خواست تمام مخلوق بشرِ خودش را از بین ببرد. حضرت نوح علیه‌السلام که مورد محبّت الهی بود در واقع وساطت کرد و فقط کفّار را و آنهایی که به خدا معتقد نبودند، در دریا غرق کرد و مؤمنین را نجات داد یعنی گفت که در آن کشتی بنشینند. در زمان حضرت موسی علیه‌السلام همینطور. یک‌بار که موسی فرموده بود که با آن قبیله‌ی کفّار معاشرت نکنند، امر او را اطاعت نکردند بعضی‌ها رفت‌وآمد کردند و مخلوط شدند. خداوند آنهایی را که تمرّد کرده بودند، یکسره همه را از بین برد.

این وضعیت در جنس بشر بود ولی بعد از آن خداوند مقرّر کرد که خود این بندگان بگردند و راه را پیدا کنند چون هم باید دنیا را داشته باشند و هم آخرت را، قرارِ ترتیبی برای اداره‌ی زندگی‌شان یعنی

حکومتشان برقرار کرد. همه‌ی حیوانات در جریان زندگی‌شان، حیواناتی که اجتماعی زندگی می‌کردند و ناچار به انتخاب و داشتن حکومتی بودند، آنها را به میل خودشان واگذار کرد. ابتدا همانطور که همه‌ی حیوانات رئیسشان آنی بود که نیرومندتر از دیگران بود و بر دیگران می‌توانست حکومت بکند و بعد مدّت‌ها در این وضع بودند تا بالاخره چند جلسه جانشینان منتخبین خطا کردند و آنوقت بشر به این نتیجه رسید که باید خودش انتخاب کند. در اینجا، به‌اصطلاح تکامل عقیده‌ی دینیِ مردم هم به موازات جلو می‌رفت تا ظهور پیغمبر و رهبری او که پیغمبر ما، هم حکومت دنیایی را اداره می‌کرد و هم حکومت دینی را. خداوند هر دوی این رشته‌ها را به او سپرده بود و به‌این‌جهت خداوند خطاب به پیغمبر فرمود که هر چه به تو امر کردم، همان را انجام بده، بدون تردید امر الهی باید اجرا بشود. اوامر را اجرا می‌کرد و دستور هم داد که همین وضعیت بود تا زمان بعد از پیغمبر، در زمان ائمّه ادامه‌ی همان وضع بود بعد از غیبت امام که ارتباط با خدا نبود، خداوند دستور داد که مؤمنین بین خودشان مشورت کنند و هر چه تصمیم گرفتند همان را بکنند.

آیه‌ی قرآن هست در مورد پیغمبر که می‌فرماید: وَ شاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللهِ (سوره شوریٰ، آیه ۳۸) با اینها مشورت بکن یعنی توجّه داشته باش در عین اینکه بنده‌ی خدا و نماینده‌ی او هستی ولی از این بشری که جایزالخطاست و از طرفی تو باید رفتارت مورد تقلید مؤمنین باشد یعنی مؤمنین باید از تو پیروی کنند. بنابراین مشورت بکن ولی بعد از مشورت هر چه خودت تصمیم گرفتی، اجرا کن. این در زمانِ پیغمبر تکلیفِ ما مؤمنین برای زندگی معلوم بود. فَإِذا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللهِ، بعداً که پیغمبری در میان ما نبود، جزء صفات مؤمنین به اسلام و ایمان، آورده است که از شرایط مؤمنین آن است که وَ أَمْرُهُمْ شُورىٰ بَينَهُمْ (سوره شوریٰ، آیه ۳۸) همه‌ی کارهایشان با مشورت بین خودشان است.

البتّه این با توجّه به دستورات الهی است و آن دستوراتی که باید همیشگی اجرا شود ولی در موارد جدید، وَ أَمْرُهُمْ شُورىٰ بَينَهُمْ یعنی مسائل جدیدی که پیدا می‌شود بین خودتان، مؤمنین مشورت کنید. به این طریق تکلیف بشریّت را تا خاتم اولیاء و تا وقت ظهور، معیّن فرموده که تخطّی از این دستور جایز نیست. ان‌شاءالله خداوند به ما توفیق بندگی و پیرویِ این دستور را بدهد. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح جمعه، تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۷، جلسه برادران ایمانی)

*****

کوهنوردی از لحاظ سازمان‌ها یک ورزش است، مثل همه‌ی ورزش‌ها، هم ورزشکار دارد و هم آن آخرش جایزه دارد. جایزه‌ی واقعی‌اش این است که بدنشان نیرومند می‌شود، همان جایزه‌ای که آنها گرفتند، من نگرفتم. برای اینکه من از اوّل در دانشکده هم که بودم، در مدرسه هم بودم، ورزش

نمی‌کردم. خیلی خوب است، همانطوری که برای مسائل معنوی فقرا بعد از تشرّف یک دستوراتی دارند و این دستورات مثل ورزشِ روح است یعنی فکر و روحشان ورزش می‌کند. البتّه این ورزش‌ها، ورزشِ جسم، جسم را قوی‌تر می‌کند ولی ورزشِ روح، روح را قوی‌تر می‌کند، فکر را قوی‌تر می‌کند. اینها از هم جدا نیست منتها ورزش‌کارهای دیگرِ معمولی غالباً یاد معنویّتِ خودشان نیستند یعنی فکر نمی‌کنند من که دارم از این کوه بالا می‌روم، چرا دارم بالا می‌روم؟ مگر بیکار هستم؟ نشسته بودم پای کرسی راحت! آمدم اینجا راه می‌روم، نه! یک هدفی درونشان هست و این هدف را نمی‌دانند چیست، خودشان هم نمی‌دانند چیست. می‌بینند که روی عادت این کار را می‌کنند.

در همین ورزش که می‌کنند اگر یاد این گفتار و دستور خدا باشند، می‌فرماید: أَفَلا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ... وَإِلَى الْجِبالِ كَيْفَ نُصِبَتْ (سوره غاشیه، آیات ۱۹-۱۷) آیه‌ی قرآن است، آیا نگاه نمی‌کنید به چی و چی و به کوه‌ها که چطوری خدا نصب کرده است؟ این کوهنوردها اگر صبح قرآن خوانده باشند یا این را بدانند، وقتی رسیدند می‌گویند: بله، ما نگاه می‌کنیم. تلویزیون می‌خواهد نشان بدهد ولی آنها همه‌اش چیزهای ظاهری را نشان می‌دهند. نگاه می‌کنید می‌بینید مثلاً در یک بیابانی یک ستونی هست یک سنگ بالای آن است، مثل قارچ است. نگاه می‌کنید قارچ پایه دارد. در بیابان هم سنگ‌ها اینطوری است، چه کسی اینطوری کرده؟ چرا اینطوری کرده؟ البتّه این «چرا» اگر از روی فضولی باشد یکی می‌گوید به تو چه که چرا اینطوری کرده ولی روی فضولی نیست، روی فهمیدن است. این است که ورزش بدنی هم اگر با توجّه است، آن توجّه قطع نشود که در درویش‌ها آن توجّه همیشگی است، خیلی خوب است. ورزش می‌کند بدنش قوی می‌شود، در همان توجّه می‌کند. بعضی‌ها می‌خواهند بدنشان قوی باشد برای اینکه مشتی بزنند به سرِ حالا هر کس، نمی‌گوییم چه کسی. البتّه یکی از خصوصیّات و نتایج این ورزش همین است که می‌توانی این کار را بکنی ولی نه اینکه بکنی. یک شعری می‌گوید:

چگونه شکر این نعمت گزارم
که زور مردم آزاری ندارم

حضرت صالح‌علیشاه می‌فرمودند که من در خدمت حضرت سلطان‌علیشاه بودم کسی این شعر را خواند، فرمودند: اگر زوری نداری که دیگر نعمتی نیست، نمی‌توانی ولی بگو:

چگونه شکر این نعمت گزارم
که زوری دارم، آزاری ندارم

حالا ورزش، این خاصیّت را دارد که این زور بدنی را برایتان فراهم می‌کند. البتّه چون آزاری هم ندارید (ان‌شاءالله ندارید) خودِ همین عبادت است یعنی شخص کوهنوردی که به این قصد کوهنوردی می‌کند از همان قدمِ اوّل، نزد خدا محترم است و از خدا اجر می‌خواهد.

البتّه به شرط اینکه وظایف دیگری که هست را فراموش نکنید یعنی اوّلین وظیفه این است که مثلاً نماز صبحتان را به موقع بخوانید، نه اینکه نمازتان را بگذارید قضا شود، بروید کوهنوردی، نه! اگر هم می‌روید به کوهنوردی در همان وقتِ نمازتان، نماز بخوانید. هر وقت توانستید به ذکرتان و اینها توجّه کنید، سنگی که در راهتان هست به ذکر بردارید یعنی ذکر این نیرو را به شما می‌دهد که بتوانید آن را بردارید و بعد هم آن نیرو، این لذّت معنوی را به شما می‌دهد که توانستید این کار را بکنید. بنابراین همه‌ی ورزشکارها به‌خصوص کوهنوردان یا اینهایی که با طبیعت بیشتر سر و کار دارند، خیلی برایشان موجب خوشوقتی باید باشد که نعمات الهی را حس می‌کنند. ما خیلی نعمات داریم، فرض کنید همان مقدّمه‌ی *گلستان* که می‌گوید: «منّت خدای را عزّوجل که طاعتش موجب...» آنجا می‌گوید:

«هر نفسی که فرو می‌رود ممدّ حیات است و چون برمی‌آید مفرّح ذات، پس در هر نفسی دو نعمت موجود است».

این نعمت را ما می‌دانیم ولی حس نمی‌کنیم، احساس نمی‌کنیم. بدون توجّه، تند و تند نفس می‌کشیم ولی یک وقت هست نعمتی را که خداوند به ما داده، حس می‌کنیم. آنوقت حتماً باید در عمق دلتان حق‌شناس باشید یعنی از خداوند تشکّر داشته باشید. کوهنوردها از این قبیل هستند که می‌توانند، البتّه امکان برای همه هست در مورد کوهنوردان برای همین کار، که هم عبادت است و هم تربیت بدن است، با هم هر دو کار را می‌کنند.

حالا ان‌شاءالله همه‌ی شما موفّق باشید و مشت‌های گره کرده و محکم در اختیار داشته باشید ولی به هر دوستی که می‌رسید دست را باز کنید مشت را محکم نکنید، ان‌شاءالله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه، تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۸، جلسه خواهران ایمانی)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه) شامل: *جزوات گفتارهای عرفانی/ شرح رساله شریفه پندصالح/ شرح فرمایشات حضرت سجّاد علیه‌السلام (شرح رساله حقوق)/ شرح فرمایشات حضرت صادق علیه‌السلام (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة)/ جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس فقری، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر)/ جزوات رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات/ جزوات پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات/ مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها)/ مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها/ شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم/ گفت وگوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها)* منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید. همچنین برای دریافت گزیده‌هایی از بیانات می‌توانید به کانال jozveh121@ در برنامه‌ی تلگرام بپیوندید.